

5+

**پرستوهای آواره !**

دلم در ژاله های اشک خون بر کلبه ویرانتان چون سیل میباره  
که شدین از لانه بی لانه

وازکران تابه کران در بدر و آواره

**پرستو های آواره !**

ز شب خونی شباهنگام جغدی غرقه در خون  
پرستوهاشدر در کهکشانشان نامیدی ها بیچاره

پروبالی شکسته

ز راه دور خسته

چنین محصور گشته

**پرستو های صد پاره !**

هنوز بر سایه ی دیواری لانه ویرانتان

چنگال غرقه در خونی ، جغد شب گرد ، ویران گر

صدای موج از آتش غروب تیره ، وحشت ، فضای شب با آن پایه های غول

فریادمیکشد

برتو

**پرستوهای آواره!**

چرا تک تک میاندیشین ؟

برای لحظه کوتاهاهم خپ خپ با ندیشین

سرودی لحظه های گرم فردار ، ز عمقی جرقه های مادری خرشید برای سنگ فرش معبدی اندیشه های

فصل نیایش ز طرح نوباهم باندیشین

که بهار میرسد آخر

ترانه ی رویشی سبز بر لب هر شاخسار گل میدهد آخر

ز آبشار صدای نغمه آزاده گان راه ی آزادی بگوش تک تک صخره های غرقه در امواج می پیچد آخر

**پرستوهای آواره!**

به کنج آرزوهای دلتان گر لانه ی زیبا، از شاخه های پر ز موج نسترن

و یا باغی غرقه در شاخه های پرشگوفه یاسمین دارید ؟

اگر راستش همین آرزو دارید ؟

بیاباهم باندیشیم

برای لحظه کوتاه برای جمع باندیشیم

بیاباهم باندیشیم

همایون ساحل